



## جایگاه و موقعیت قاضی در تحقق اصول دادرسی عادلانه

میرناصر قرشی زاده<sup>۱</sup>، علیرضا جمشیدی<sup>۲</sup>، منصور رحمدل<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

صفحات ۳۰۵ تا ۳۳۰

### چکیده

امروزه دادرسی عادلانه به ویژه در پرتو تحولات حقوق بشر اهمیت چشمگیری در سامانه حقوق بین الملل و سامانه های حقوق ملی پیدا کرده است. هرچند برخی از مولفه های دادرسی عادلانه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده اند لکن این مفهوم به ویژه در بستر کنوانسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر مورد واکاوی و بررسی دقیق و جدی تری قرار گرفته است و تحولات خود را بیشتر در آن بستر می گذارند. آن مفهوم در سامانه حقوقی ایران تا سال ۱۳۹۲ به شکل نظام مند و انسجام یافته مورد توجه قرار نگرفته، لکن فقط شماری از مولفه های آن به طور رپراکنده در برخی از قوانین و مقررات بازتاب یافته بود. اما قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برخی از اصول دادرسی عادلانه را جزء در برخی موارد مثل عدم استقلال دادیار و تبعیت وی از دادستان و انتخاب وکلای اختصاصی در دادگاههای ویژه و وحدت تعقیب و تحقیق توسط دادستان به طور منسجم و نظام مند وارد حقوق کیفری نموده است. البته صرف پیش بینی اصول پیشرفته، تصویب، تدوین قوانین مترقی و منطبق با حقوق بشر و ایجاد سیستم کارآمد وافی مقصود نمی باشد، بلکه باید به نقش مجریان عدالت نیز توجه نمود چرا که در تحقق دادرسی عادلانه قضات نقش تعیین کننده دارند، گرچه اشخاص متعدد حقیقی و حقوقی در فرایند دادرسی دخالت دارند، لکن مسوولیت اصلی و اساسی با قاضی است. اگر قضات تخصص و تعهد لازم را نداشته باشند، انتظار تحقق دادرسی عادلانه سرابی بیش نخواهد بود، فلذا پس از تهیه و تدوین قوانین مترقی و همه سونگر بایستی به پروراندن نیروی دانشور، عدالت محور و دلبسته به کار قضایی توجه کافی و وافی نمود.

واژگان کلیدی: دادرسی عادلانه، حقوق بشر، رسیدگی ترافیعی، برابری سلاح ها، طرف های دعوی کیفری.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* استادیار حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول)

jamshydy@yahoo.com

\*\*\* استادیار حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱- مقدمه

دادرسی عادلانه<sup>۲</sup> یا منصفانه فرآیندی است، مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی، امکانات و شرایط برابر با طرف خویش جهت تدارک دفاع، که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی و رعایت معیارهای آن نوید بخش تحقق یک دادرسی منصفانه خواهد بود. (فتحی و دادیار، ۱۳۹۱:۱۳۳) باید گفت نه تنها تشکیل یک دادگاه باید مطابق با قانون و استانداردهای جهانی باشد بلکه آیین دادرسی آن نیز باید با اصول و استانداردهای روشن و شناخته شده جهانی همراه باشد. رسیدگی به اختلافات و اتهام کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه است که مستلزم آیین دادرسی از پیش تعیین شده و یک سلسله شروط اساسی است. دادرسی عادلانه فرآیندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه‌گذاری شده و رعایت الزامات آن، رفتاری کرامت‌مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می‌دهد. دادرسی کیفری در صورتی عادلانه است که توسط دادگاهی منصف و بی‌طرف بر اساس تشریفات قانونی انجام گرفته و در جریان آن حقوق اساسی و قانونی متهم محترم شمرده شود. در این فرآیند اقداماتی نظیر بازداشت غیرقانونی، توسل به زور، خشونت و شکنجه روحی و جسمی، استفاده از اقدامات غیرقانونی، خروج دادگاه از بی‌طرفی، عدم استقلال، غیرعلنی بودن دادرسی، عدم تساوی سلاح‌ها و سلب حقوق دفاعی متهم و منع مداخله وکیل غیرقابل توجیه است. (فتحی و دادیار، ۱۳۹۱:۱۳۴) آیا صرف پیش‌بینی اصول پیشرفته، تصویب و تدوین قوانین مترقی و منطبق با حقوق بشر و ایجاد سیستم کارآمدی تواند وافی مقصود می‌باشد یا باید به نقش مجریان عدالت نیز توجه نمود؟ آیا اصول دادرسی عادلانه برای تحقق حقوق متهم ایجاد شده یا به حقوق جامعه و مجنی علیه نیز توجه دارد؟

با توجه به موارد فوق‌الذکر می‌توان گفت دادرسی عادلانه برای تضمین حقوق متهمان ایجاد شده است چرا که در زمان مفهوم سازی آن اساساً قربانیان جنایت موضوعیت نداشتند و بعدها در اسناد بین‌المللی به تدریج به آن توجه شد، بنابراین برخی اصول مختص متهم بوده و برخی دیگر مربوط به حقوق طرفین دعوی اعم از جامعه، مجرم و بزه دیده می‌باشد، غیر از اصول فوق‌الذکر تحقق دادرسی عادلانه نیاز

---

<sup>۲</sup>. FAIR TRIAL

به سیستم دادرسی کارآمد و نیروی انسانی متخصص و متعهد دارد، چرا که نقش اساسی و اصلی با آنها است حمایت مادی و معنوی از دادرسان و کارکنان که با استقلال کامل به وظایف شرعی و قانونی عمل نمایند نباید از نظر دور بماند بی نیازی در مسایل مادی و حمایت معنوی، توانایی همه جانبه کارکنان قوه قضاییه را افزایش خواهد داد که اثر آن در صدور حکم عادلانه ظاهر می شود.

با ملاحظه پژوهش های انجام شده می توان بیان داشت عمده تحقیقات حول محور اصول دادرسی عادلانه می باشد در هیچکدام به نقش مجریان عدالت خصوصا قاضی که مسوولیت اجرای آن اصول را دارد توجه نشده است. لذا در این مقاله علاوه بر تجزیه و تحلیل اصول دادرسی عادلانه در حقوق بین المللی و ملی به نقش مجری اصلی آن یعنی قاضی می پردازیم.

## ۲- مولفه های دادرسی عادلانه

کلیه اصول دادرسی عادلانه در امور بین المللی و داخلی در این قسمت مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

### ۲\_۱ اصول مربوط به تضمین حقوق متهم

#### ۲\_۱\_۱ اصل برائت:

در نظام حقوق کیفری مدرن اصل برائت یا فرض بی گناهی<sup>۳</sup>: یکی از اصول بنیادین دادرسی های کیفری و میراث مشترک ملل مترقی جهان به شمار می رود. (امیدی، ۱۳۷۹:۱۲۶) به عبارتی اصل برائت سنگ بنای دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار می رود و درحال حاضر تبدیل به یک هنجار و قاعده ی ملی و بین المللی شده است (امیدی، ۱۳۷۹:۱۲۸) با این وجود، بی گناهی در فرض برائت یک مفهوم حقوقی است و معنای کلامی ندارد. (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱:۲۰۱) آن چه از معنای حقوقی فرض بی گناهی در اصل برائت استنباط می شود این است که بی گناهی، از آن چه قانون گذار جرم دانسته و فرد نسبت به آن به هر شکلی و در چارچوب هر رویه ای متهم شده است را شامل می شود. (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱:۲۰۱) گرچه اصل برائت یک مفهوم پذیرفته شده در تمامی نظام های حقوقی و اسناد بین المللی است، اما پیرامون قلمرو و آثار و نتایج آن اختلاف نظرهای فراوان وجود دارد. در ماده ۶ (۲) کنوانسیون اروپایی

<sup>۳</sup> Presumption of Innocence

۳۰۸..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

حقوق بشر اشاره‌ای به حق بودن فرض برائت نشده است. لکن رویه قضایی آن را یک حق می‌داند چرا که دادگاه در بسیاری از موارد از فرض برائت به عنوان یک حق تعبیر کرده و برحق بودن آن صحنه گذاشته است. (مدی، ۱۳۹۳: ۳۱) حقوق‌دانان و نویسندگان حقوقی مبانی اصل برائت را کرامت ذاتی انسان، تضمین امنیت افراد جامعه، اصل عدم، توازن بین طرفین دعوا، اصل اباحه، قاعده درأ، قاعده غلبه و قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر کیفر دانسته‌اند. (قربانی و موحدی، ۱۳۹۱: ۱۳۲) هم‌چنین این اصل را اصلی اخلاقی می‌دانند. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۳: و ماده ۶۶ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ و در حقوق ایران اصل ۳۷ قانون اساسی و بند ۲ ماده ۴ واحده قانون حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت اصل برائت را پیش‌بینی نموده است.

## ۲\_۱\_۲\_ حق بر رعایت کرامت انسانی<sup>۴</sup> و حیثیت اشخاص:

حقوق کیفری در مجموع به دنبال حفظ و ارتقاء ارزش‌های انسانی است. یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی، خواه در مفهوم دینی یا منزلت عرضی، حفظ و رعایت کرامت انسانی است. این حق به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ارزش‌های مورد حمایت نظام حقوق بشر بوده و موجب تمایز ایشان از سایر موجودات می‌باشد (حبیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۵۵). به موجب ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هیچ کس را نمی‌توان شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.» ماده ۷ میثاق بین‌المللی: «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی و یا تحقیرآمیز قرار داد.»؛ ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر: «مجازات هیچ انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرایط و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد و با او به گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت یا منافی حیثیت انسانی با او رفتار کرد.»؛ اصل ۳۹ قانون اساسی ایران: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به موجب قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «... این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و

---

<sup>۴</sup> Human Dignity

حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» با عنایت به موارد فوق‌الذکر امروزه کرامت انسانی یکی از معیارهای اقدامات قضایی و از مبانی حق بر دادرسی منصفانه به شمار می‌رود و هم‌چنین از مؤلفه‌هایی است که باید فرآیند دادرسی کیفری رعایت شود و از تعرض مصون بماند. پس عدالت کیفری اعم از شکلی یا ماهوی باید کرامت‌مدار باشد. بنابراین آیین دادرسی کرامت‌مدار شامل مجموعه‌ای از مقررات ناظر بر تشکیلات عدالت کیفری، چگونگی رسیدگی کیفری، حق‌های کنش‌گران دعوی کیفری و تکالیف کارگزاران عدالت کیفری است که رعایت و تضمین شأن و منزلت ذاتی انسان‌ها رادر کلیه مراحل فرآیند کیفری مبنا قرار می‌دهند (نیازپور، ۱۳۹۵: ۸۵) قانون‌گذار رعایت این اصل را توسط تمامی مقامات دخیل در فرآیند کیفری لازم می‌داند (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

#### ۲-۱-۳ حق آگاهی متهم از حقوق خود در فرآیند دادرسی:

یکی از مؤلفه‌های تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه تفهیم حقوق متهم می‌باشد. به طور کلی با رعایت اصل تساوی سلاح‌ها و تبادل اطلاعات میان مقامات رسمی و متهمان به لحاظ اطلاعات حقوقی - قضایی، حقوق دفاعی آن‌ها بیشتر تضمین می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۹ و ۱۳۰). آگاهی متهم یا سایر اشخاص از حقوق خود محدود به مرحله‌ی خاصی از دادرسی کیفری نیست بلکه در تمام مراحل دادرسی اعم از مرحله تحت نظر، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای احکام می‌باشد. به موجب ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق باید فراهم شود.» و ماده ۵۲ نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون را در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه دریافت کنند.»

#### ۲-۱-۴ تفهیم اتهام در اسرع وقت:<sup>۵</sup>

پس از توقیف متهم اولین اقدامی که پلیس می‌بایست انجام دهد تفهیم موضوع اتهام و علت دستگیری است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۱). بنابراین یکی از عناصر و تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه در زمره حقوق دفاعی متهم، حق بر تفهیم اتهام و حق آگاهی از اتهام یا دلایل آن است. این اصل مکمل اصل برائت می‌باشد و منظور از

<sup>۵</sup> The right to be informed of the charge

۳۱۰..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

تفہیم اتهام اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق تعریف کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۶۱). پس تفہیم اتهام یک تکلیف قانونی است که نیاز به تخصص، احاطه و تسلط کامل به حقوق کیفری، قوانین و موازین قضایی و ملی هر کشور دارد. آگاهی متهم از موضوع اتهام و دلایل آن لازمه دفاع متهم در رد اتهامی است که به او نسبت داده می‌شود؛ بنابراین صرف ذکر عمل مجرمانه کفایت نمی‌کند بلکه موضوع جرم باید به صراحت به او تفہیم شود و ضرورت تفہیم اتهام مستلزم آن است که مواد قانونی ناظر بر اتهام و مستندات آن نیز اعلام شود تا اینکه جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام موجب خدشه به اصل براءت نشود (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۵۳). ماده ۵ ق. آ. د. ک ۱۳۹۲ نیز مقرر می‌دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله انتسابی آگاه شود.» و به موجب ماده ۱۹۵ ق. آ. د. ک: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفہیم کند و آن گاه شروع به پرسش کند و پرسش‌ها باید مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد و پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.

## ۲\_۱\_۵ حق سکوت متهم<sup>۶</sup>

حق سکوت متهم از حقوق دفاعی متهم بوده و در مراحل مختلف دادرسی شہرتی جهانی یافته است (صالحی، ۱۳۸۸: ۶۹). در دادرسی ثبوت هر ادعا به بینہ قانونی نیاز دارد و به سکوت اثری مترتب نمی‌گردد (صالحی آقمشہدی و احمدنژاد، ۱۳۹۱: ۲۸). بنابراین حق سکوت درمقابل پرسش‌گری یک مقام قانونی یکی از پیامدهای اجرای اصل براءت است (مقدسی، ۱۳۹۳: ۹). فلذا متهم حق دارد سکوت کند و در صورت سکوت نباید این سکوت به ضرر او تفسیر شود (رحمدل، ۱۳۸۵: ۲۰۶). زیرا خودداری متهم از اظهارنظر درباره اتهام نباید به قبول جرم توسط او تفسیر شود بلکه دادگاه باید آن را همانند اظهار بی‌گناهی فرض کند. با وجود آن در قانون اساسی ایران اصل ۳۸ مقرر داشته: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است؛ اجبار شخص به اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» قانون آیین دادرسی کیفری

<sup>۶</sup> The Right of silence

ایران در سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۹۷ و ۳۵۹ حق سکوت متهم را به صراحت پیش‌بینی کرده است.

#### ۲\_۱\_۶ حق استفاده از خدمات مترجم<sup>۷</sup>:

لازمه تفهیم اتهام و پاسخ به آن مستلزم دانستن زبان دادگاه است. اول آن که متهم باید زبان تکلم دادگاه را بداند و از سوی دیگر زبان فنی دادگاه را هم درک کند تا قادر باشد از خود دفاع نماید. چنان چه متهم زبان دادگاه را نفهمد و آن را درک نکند می‌توان برای او مترجم انتخاب کرد. ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست؛ مرجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند؛ عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.»

#### ۲\_۱\_۷ حق استفاده از وکیل:

حق استفاده از وکیل برای متهم یکی از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی به شمار می‌رود (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۵). حق استفاده از وکیل تنها برای متهمان نبوده بلکه بزه‌دیدگان نیز می‌توانند از این حق استفاده نمایند لکن حق وکیل انتخابی و تسخیری در دادگاه مورد اشاره قرار گرفته ولی در مرحله مقدماتی مورد توجه قرار نگرفته است. حضور وکیل در دادرسی‌های کیفری مانع استبداد قضایی و بی‌توجهی به منافع فردی از سوی قضات می‌شود. حضور وکیل را می‌توان بر مبنای اصل برائت از یک سو و اصل تساوی سلاح‌ها از سوی دیگر توجیه کرد. حق داشتن وکیل در دادرسی‌های کیفری دارای کارکردهای حقوق بشری، جرم‌شناختی و سیاست جنایی است. اصل ۳۵ قانون اساسی «در همه دادگاه‌ها، طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند بلکه باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»؛ بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهم و مشتکی عنه را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل برای آن‌ها فراهم کنند.» و ماده ۵ ق. آ. د. ک ۱۳۹۲ حق دسترسی به وکیل و ماده ۴۸ حق بهره‌مندی از خدمات استفاده از

<sup>۷</sup>. The Right the Free assistance of an interpreter

۳۱۲..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

وکیل در مرحله تحت نظر و ماده ۱۹۰ حق استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و ماده ۳۴۶ حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی رامورد تأکید قرار داده است.

#### ۲\_۱\_۸ حق بر عدم اجبار فرد به خود مجرم‌انگاری:<sup>۸</sup>

این حق تحت عنوان حق عدم اجبار به ادای شهادت علیه خود یا اعتراف به گناه نیز یادآوری می‌کنند و این اصل یکی از اقتضائات اصل برائت و حق سکوت است و این امر شامل منع هرگونه فشار یا اجبار فیزیکی یا روانی متهم است. طبق اصل ۳۸ قانون اساسی ایران «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت و اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت یا اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» و ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز مقرر می‌دارد: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌نماید مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله‌ی آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آن گاه شروع به پرسش می‌کند و پرسش‌ها باید مفید، روشن مرتبط با اتهام و در محدوده‌ی آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال و اجبار و اکراه ممنوع است. این ماده به نوعی دلالت بر منع خودمجرم‌پنداری است.

مبنای این اصل برائت است و ضرورت وجود دلایل محکم برای بازداشت ایجاب می‌کند که متهم بی‌نیاز از اثبات بی‌گناهی خود باشد و طرف مقابل ادله را جمع‌آوری می‌کند. پس نمی‌توان اول فرد را بازداشت نمود سپس دلایل را جمع کرد. همان‌طور که قبلاً گفته شد فرد می‌تواند سکوت اختیار کند و علاوه بر آن می‌توان گفت این اصل بر مبنای اصل کرامت انسانی و حیثیت ذاتی انسان نیز توجیه می‌گردد. قاعده‌ی قدیمی وجود دارد که می‌گوید: «هیچ کس نباید دشمن خود باشد و کاری انجام دهد که ممکن است به ضرر او تمام شود.

#### ۲\_۱\_۹ حق بر آگاهی از دلایل در اختیار دادستان یا اصل افشاءگری:<sup>۹</sup>

یکی از اصول اساسی دادرسی ترافعی این است که دادستان باید همه اسناد و مدارکی را که می‌خواهد برای اثبات مجرمیت متهم به عنوان دلیل مطرح کند در اختیار متهم قرار دهد (زاپالا سالواتور، ۱۳۹۲: ۱۴۸). به این اصل افشاءگری می‌گویند و مکمل

<sup>۸</sup> The privilege against self-incrimination

<sup>۹</sup> Disclosure principle



اطلاع از ماهیت اتهام است و یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق دفاعی متهم بوده تا وی به همه اطلاعات ارائه شده به قاضی در پرونده دسترسی یابد و بتواند نظر خود را راجع به آن ابراز نماید و مورد اعتراض قرار دهد و یا نادرستی آن را با ادله‌ی مخالف به اثبات برساند (فضایلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). پس حق افشاء دلایل یکی از مؤلفه‌های حقوق دفاعی متهم می‌باشد (صالحی، ۱۳۹۱: ۴۷). این اصل مقدمه شفافیت قضایی و سلامت آن است و حق افشاءگری در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است. البته اجرای این اصل می‌تواند با حقوق شهود و بزه‌دیدگان و یا مصالح امنیت عمومی در تعارض باشد. به این دلیل قانون‌گذار به خاطر حفاظت از شهود و مطلعان مانع اطلاع متهم از هویت آن‌ها می‌شود.

#### ۲\_۱\_۱۰ حق بر جبران خسارت متهم ناشی از بازداشت ناموجه:

چنان چه شخصی به اتهام ارتکاب جرم تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد سپس بی‌گناهی او ثابت شود به علت ورود خسارت مادی و معنوی به ایشان و خانواده‌اش باید جبران خسارت شود. اگر بازداشت غیرقانونی باشد نیازی به براءت فرد نیست. همین که ثابت شد فرد بازداشت شده پس از طی فرآیند کیفری که تبرئه شده باشد می‌تواند درخواست جبران خسارت نماید؛ اعم از اینکه قانونی یا غیرقانونی باشد. برخی حق جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه را تنها ناشی از قرار بازداشت موقت می‌دانند (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۳). برخی دیگر آن را اعم از قرار بازداشت موقت یعنی به سایر قرارهای تأمین چون وثیقه یا کفالت تسری می‌دهند بنظر می‌رسد بازداشت ناموجه شامل کلیه قرارهای منجر به بازداشت است. اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران جبران خسارت ناشی از تقصیر یا غفلت را پیش‌بینی کرده است.

و ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند و ماده ۲۵۷ همان قانون کمیسیون جبران خسارت را برای همین منظور پیش‌بینی کرده است.

#### ۲\_۱\_۱۱ اصل منع محاکمه مجدد و مجازات مضاعف:

مفهوم این اصل آن است که هیچ کس را نمی‌توان برای اتهامی که قبلاً به صورت قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی اعم از براءت

۳۱۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

یا محکومیت شده باشد برای بار دوم مجدداً محاکمه و مجازات نمود. حتی اگر محکومیت سابق او مشمول مرور زمان یا عفو شده و یا به جهتی از جهات قانونی غیرقابل اجرا باشد محاکمه و مجازات مجدد او ممنوع بوده و ناقض دادرسی عادلانه و منصفانه است (امیدی، ۱۳۷۹: ۱۴۱).

بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته: «هیچ کس را نمی‌توان به دلیل ارتکاب جرمی که طبق قوانین و آیین دادرسی هر کشوری حکم قطعی محکومیت یا تبرئه او صادر شده مجدداً محاکمه یا مجازات نمود.» و بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: «هر متهمی که به موجب حکم قطعی غیرقابل تجدیدنظرخواهی برائت یافته نمی‌توان وی را به همان اتهام دوباره محاکمه نمود.» برای اولین بار بعد از انقلاب مواد ۵ و ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این قاعده را با شرایطی نه به صورت کامل درج‌رایم تعزیری قبول نموده است.

این اصل بر دو پایه حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی استوار است. بنابراین محاکمه و مجازات مجدد بابت ارتکاب یک جرم با موازین اخلاقی و حقوقی در تضاد است و این با امر با قطعیت آراء مطابقت ندارد فلذا اشخاص باید مطمئن باشند که یک بار محاکمه و مجازات از بابت ارتکاب یک عمل مجرمانه او را در مقابل جامعه مبری می‌کند.

## ۲-۲ اصول ناظر بر تضمین حقوق اصحاب دعوی

### ۲-۲-۱ حق بر رسیدگی حضوری<sup>۱۰</sup>:

آگاه کردن متهم از فرآیند دادرسی کیفری از طریق دعوت او برای حضور در فرآیند دادرسی، که به دنبال آن متهم و یا وکیلش در دادرسی حضور پیدا کنند یا به ارسال لایحه اقدام کنند (زراعت و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). دادرسی حضوری در مقابل دادرسی غیابی بوده البته استثنائاتی نیز دارد و در مقابل حضوری بودن رسیدگی هم یک اصل است و استثنائاتی هم دارد. بنابراین حضوری بودن دادرسی کیفری ناشی از اصل توافقی بودن دادرسی می‌باشد و لزوم برگزاری دادرسی عادلانه و منصفانه را توجیه می‌نماید. ریشه حق محاکمه حضوری به اصل تساوی سلاح‌ها برمی‌گردد و اداره و اجرای شایسته عدالت کیفری به آن بستگی دارد و چون در رسیدگی کیفری شناخت شخصیت متهم

<sup>۱۰</sup> The right to be present during trial

ضرورت دارد و اتخاذ تدابیر کیفری و تأمینی منوط به شناخت ویژگی‌های شخصیتی او است فلذا قاضی دادگاه باید شخصاً متهم را نزد خود ببیند، تا تصویر درستی از شخصیت وی داشته باشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۱۴۶). علاوه بر موارد فوق اصل تناظر (شمس، ۱۳۸۱: ۵۹) به معنای گفت‌وگوهای رو در رو و متقابل یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی است یعنی اصحاب دعوا باید علاوه بر اینکه فرصت امکان طرح ادعاها و ادله و استدلالات خود را داشته باشند و حضور متهم باعث سرعت در رسیدگی کیفری نیز می‌گردد. در ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به حق حضوری بودن رسیدگی‌ها اشاره کرده‌اند و اما در خصوص جرایم کودکان و نوجوانان و جرایم منافی عفت محدودیتی بر آن اصل وارد شده و در مواردی که متهم متواری است رسیدگی غیابی تجویز گردیده است.

## ۲-۲-۲ استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی<sup>۱۱</sup>:

ضرورت محاکمه توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف یکی از اصول اساسی و بنیادین دادرسی عادلانه بوده و در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های آفریقایی، اروپایی و آمریکایی حقوق بشر و حقوق اسلامی و سیره قضایی پیامبر (ص) و ائمه معصومین به آن اشاره شده است. بنابراین استقلال و بی‌طرفی در تصمیم‌گیری قضایی و صدور حکم لازمه قضاوت می‌باشد و این اصل امنیت قضایی را تضمین می‌نماید و پناهگاه مهمی برای حفظ حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد و از استبداد قدرت جلوگیری می‌کند و آن حقی مطلق بوده و استثناء بردار نیست (شاملو و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). فلذا استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه بوده و در اسناد بین‌المللی همواره در کنار یکدیگر به کار می‌روند ولی دو مفهوم مستقل از هم دارند. استقلال قضایی به معنی بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگری، در اصطلاح سیاسی به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی می‌باشد و قاضی در جایگاه دادرسی نسبت به موضوع مطرح شده با آزادی کامل، بر مبنای واقعیت‌ها، بر پایه موازین حقوقی، بدون هرگونه دخالت، فشار و یا نفوذ نادرست از جانب هریک از بخش‌های حکومت و یا جای دیگر رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کند (فضایلی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). ولی بی‌طرفی عدم جانبداری نسبت به یکی از طرفین توسط قاضی می‌باشد. پس استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی

<sup>۱۱</sup> judicial Independence and Impartiality

۳۱۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

از عناصر جلب اعتماد به دادگاه است و ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر داشته: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.»

### ۲\_۲\_۳ حق بر رسیدگی به دعوی کیفری در مدت معقول یا اصل سرعت<sup>۱۲</sup>:

رسیدگی به دعوی کیفری و صدور رأی در مهلت و زمان معقول یکی از مصادیق حقوق افراد درگیر در فرآیند کیفری و از جمله شرایط دادرسی عادلانه و منصفانه است. مفهوم معقول بودن مهلت دادرسی آن است که با صرف مدت زمانی متعارف بتوان به پرونده رسیدگی کرده و از این طریق عدالت را برقرار ساخت (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳: ۴۷). رسیدگی در مدت معقول مبانی متفاوتی دارد اما بیشتر برای جلوگیری از اطاله دادرسی است، فلذا اطاله دادرسی هم برای طرفین دعوی و هم برای نظام قضایی و کشوری رنج‌آور و بسیار پرهزینه است و از طرفی دیگر، به آثار بازدارندگی مجازات نیز صدمه می‌زند. بنابراین می‌توان گفت که اختصار در رسیدگی یکی از مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد مدیریت عدالت کیفری به شمار می‌رود (شاملو و عبدالهی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). اصل سرعت در رسیدگی و حق محاکمه شدن در مدت متعارف یکی از مصادیق اجرای دقیق اصل برائت است؛ زیرا منطقی و مناسب بنظر می‌رسد که بی‌گناهی یا محکومیت متهم به سرعت مشخص شود و این اصل قاضی را مکلف می‌کند دادرسی را در کمترین زمان ممکن مدیریت نماید. چرا که معقول و متعارف بودن زمان و فرآیند دادرسی را کیفیت دادرسی می‌نامند که باعث بهینه دادرسی و کارآمدی آن می‌شود و اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری‌ترین شرط یک نظام قضایی مؤثر است که در جوامع مورد وفاق عمومی است (دهقانی، ۱۳۹۰: ۲۴). این اصل علاوه بر اینکه مستندات بین‌المللی دارد بلکه ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اعلام اینکه: «مراجع قضایی باید به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کند» بر اجرای آن اصل تأکید کرده است.

---

<sup>۱۲</sup> The right to be Tried within a reasonable Time

۲\_۲\_۴\_ اصل تساوی سلاح‌ها: <sup>۱۳</sup> این اصل به عنوان تساوی ابزار و امکانات بین دادستان و متهم بوده و یکی از تضمین‌های دادرسی عادلانه و از عناصر مهم آن است و بر مبنای آن هریک از طرف‌های دعوا باید بتوانند ادعا و دلایل خود را در شرایطی مطرح نمایند که وی نسبت به طرف دیگر دعوا به گونه‌ای اساسی در موقعیتی نامناسب نباشد. پیش‌بینی این اصل در قوانین کیفری کشورها برخاسته از آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر و هم‌اکنون از ارکان اصلی دادرسی عادلانه و متأثر از الگوی جهانی دادرسی دادگرا می‌باشد و در راستای تقویت نظام دادرسی ترافعی و ترافعی‌کردن دادرسی از مرحله تحقیقات مقدماتی تا پایان دادرسی و دادن امکانات برابر به کلیه طرف‌های درگیر در پرونده و تحقق معیارهای نظام اتهامی استوار گردیده است. البته اصل برابری سلاح‌ها یکی از اجزای اصل ترافعی بودن دادرسی است. اصل تساوی سلاح‌ها را به دو اصل تساوی سلاح‌های قانونی و اصل تساوی سلاح‌های عینی تقسیم می‌کنند و آن بدین معنا نیست که متهم از اختیارات و امکاناتی نظیر دادستان برخوردار باشد بلکه به معنی آن است که وی از فرصت زمانی و امکانات کافی و لازم جهت تهیه و تدارک دفاع از خود برخوردار باشد و از لوازم آن می‌توان به حق متهم به داشتن اطلاعات سریع و دقیق از علت و سبب و محتویات اتهامات، اطلاع و دسترسی به شواهد دادستان، حق بهره‌مندی از خدمات وکیل، ارزیابی شهود طرف مقابل و دعوت از شهود خود در صورت لزوم، اصل افشاءگری و حق دسترسی به دلایل و مدارک در اختیار دادستان، داشتن فرصت و امکانات کافی و لازم جهت تهیه و تدارک دفاع اشاره کرد و این اصل در پرونده‌هایی که یک طرف آن حاکمیت است از اهمیت زیادی برخوردار است. رعایت این اصل در مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۳۵۹ و ۳۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته است.

#### ۲\_۲\_۵\_ حق بر علنی بودن دادرسی: <sup>۱۴</sup>

علنی یا آشکار بودن دادرسی به عنوان یکی از اصول و مؤلفه‌های مهم دادرسی عادلانه و منصفانه و نیز یک اصل عمومی حقوق کیفری نوین شناخته می‌شود (کسسه، ۱۳۸۷:۴۹۲). منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسه دادگاه حاضر شده، چگونگی جریان ماقع را از نزدیک مشاهده کنند و به اجرای

<sup>۱۳</sup> Equality of Arms

<sup>۱۴</sup> Right of public criminal Trails

۳۱۸..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان پیدا کنند (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). علنی بودن دادرسی که از آثار پذیرش سیستم اتهامی است و به دو معنی می‌باشد: ۱- یکی اینکه جریان دعوی و مجادلات اصحاب دعوا اصولاً علنی و غیرسری برگزار شود و هرکس بتواند در اتاق دادگاه حاضر شود و از روند دادرسی مطلع گردد؛ دوم آن که رأیی که صادر می‌شود در اختیار عموم نهاده شود تا مردم بتوانند از نتیجه کار قضایی مطلع گردند و به ارزیابی مشروعیت آن بپردازند. پس علنی بودن متکفل تأمین دو مصلحت است:

یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دیگری جلب اعتماد عمومی به اجرای عدالت. اجرای صرف عدالت کفایت نمی‌کند بلکه اجرای عدالت باید علنی بوده و دیده شود. این اصل در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اصول ۱۶۵ و ۱۶۶ قانون اساسی ایران و مواد ۳۵۲ تا ۳۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته است. البته در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیرعلنی بودن رسیدگی را درخواست کنند و در امور خانوادگی و جرایم منافی عفت و مواردی که علنی بودن محل امنیت یا احساسات مذهبی یا قومی باشد و در جرایم کودکان می‌توان به غیر علنی نمودن دادرسی اقدام نمود.

**۲\_۲\_۶ حق بر اعمال قاعده‌ی نامعتبر شناختن ادله حاصل برخلاف دادرسی**

**عادلانه:**

یکی از اصول مهم حاکم بر آیین دادرسی کیفری، اصل آزادی کسب و تحصیل دلیل است. این اصل هم برای جامعه و هم برای متهم مزایا و منافی دارد؛ در واقع با اجرای این اصل می‌توان به کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه براساس آن امیدوار بود. اما این اصل مطلق نیست؛ البته آزادی تحصیل دلیل با اصل مشروعیت تحصیل دلیل محدود می‌شود. از این اصل در ادبیات حقوق بشر بین‌المللی به عنوان حق بر اعمال قاعده‌ی نادیده انگاشتن ادله حاصل برخلاف حقوق بشر یاد می‌شود. بنابراین مفهوم این اصل این است که دلایل و مدارک مورد استناد دادگاه در محکومیت اشخاص بایستی به صورت قانونی و مشروع حاصل شده باشد؛ قاضی می‌تواند از هر دلیلی که سبب اقناع وجدانی بشود استفاده کند، مگر دلایلی که به صورت غیرقانونی به دست آمده باشد. پس پذیرفتن این اصل تضمین سلامت دادرسی و وسیله‌ای برای جلوگیری از سوءاستفاده مقامات قضایی و ضابطان دادگستری از موقعیت‌شان می‌باشد و برخی نویسندگان از

اصل درستکاری در تحصیل دلیل سخن گفته‌اند (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۹۹). اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ به بی‌اعتباری و عدم پذیرش اقرار حاصل از شکنجه اذعان دارند.

#### ۷\_۲\_۲ مستدل و مستند بودن رأی:

این اصل به عنوان یکی از اصول مسلم آیین دادرسی، دادگاه را از اتخاذ تصمیمات غیرمنطقی و خودسرانه باز می‌دارد (زراعت، ۱۳۸۸: ۴۵). همچنین موجب اجرای اصل قانونی بودن جرایم، مجازات‌ها و دادرسی می‌شود؛ در واقع، ضرورت استدلال و استناد در آراء و احکام صادره توسط قضات و دادرسان مراجع رسیدگی‌کننده یکی از عناصر حاکمیت قانون به شمار می‌آید. کنوانسیون‌های بین‌المللی و دیوان اروپایی حقوقی بشر بر آن تأکید دارند و اصل ۱۶۶ قانون اساسی مقرر داشته: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. بنابراین هنگامی که سخن از تکلیف دادگاه‌ها بر لزوم اصدار احکام مستدل و مستند مطرح می‌شود؛ منظور این است که قضات مکلف هستند بیان نمایند که حکم صادره در موضوع مورد بررسی اولاً، چرا و چگونه و ثانیاً مطابق با کدام قانون تشخیص داده شده است. در حقیقت قاضی با عنایت به محتویات پرونده و دلایل و مدارک ارائه شده از یک طرف و انطباق استدلال‌های خود با مستندات قانونی از سویی دیگر، رأی خود را توجیه می‌نماید. این امر، موجب تضمین دو نفع است؛ یکی نفع خصوصی طرفین و دیگری نفع جامعه و دادرس؛ از جانب طرفین دو فایده دارد که آن‌ها احساس کنند خوب مورد قضاوت قرار گرفته‌اند از سوی جامعه، موجب می‌شود ثابت گردد که قاضی جانبدارانه و از روی هرج و مرج رأی نداده است و این امر موجب اعتماد بیشتر می‌گردد که نتیجه آن مشروعیت قاضی است (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵: ۲۸۰).

به بیانی دیگر صدور آراء قضایی براساس موازین حقوقی و قضایی در یک جامعه بیانگر حساسیت قضات به حقوق اساسی افراد است (موذن زادگان، ۱۳۷۷: ۱۲۰). بنظر می‌رسد رعایت حقوق شهروندی ایجاب می‌کند که هرگونه تحدید حقوق و آزادی‌های فردی به صورت مستدل و قانونی صورت پذیرد.

۳۲۰..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

## ۲\_۲\_۸ حق تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء دادگاه‌ها:

حق تجدیدنظرخواهی یکی از حقوق بنیادین بشر و از جلوه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار می‌رود منصورآبادی، ۱۳۸۴: ۶۱) و به موجب اسناد و معاهدات نیز مورد حمایت قرار گرفته است. پیش از انقلاب برای هر مرحله از اعتراض به آراء، واژه جداگانه و تخصصی به کار گرفته می‌شد برای نمونه اعتراض به آراء غیابی و اخواهی خوانده می‌شد؛ اعتراض به آراء دادگاه‌های بدوی پژوهش یا استیناف و اعتراض به رأی دادگاه عالی در دیوان عالی کشور فرجام (تمیز) و اعاده دادرسی خوانده می‌شد. قانون‌گذار پس از انقلاب به جز اعاده دادرسی، سایر موارد را با عنوان عام و کلی تجدیدنظر نام‌گذاری کرده است و تجدیدنظر در معنای عام آن به معنای اعتراض به آراء و تصمیمات قضایی است که به دو طرق عادی و فوق‌العاده صورت می‌گیرد. در مورد تجدیدنظر دو دیدگاه وجود دارد، عده‌ای آن را مغایر اصل نهایی بودن احکام دانسته‌اند و در مقابل عده‌ای از حقوق‌دانان به لحاظ طبع اشتباه‌پذیر قاضیان و دادرسان آن را امری ضروری و لازم دانسته‌اند (آشوری، ۱۳۹۲: ۸۷). قانون‌گذار ایران بعد از انقلاب بدو تجدیدنظرخواهی را مطلقاً ممنوع می‌داند سپس آن را احیاء ولی محدود کرد و نهایتاً آن را قبول و عدم پذیرش آن را استثناء کرد لکن غیرقابل نقض و تجدیدنظر بودن احکام قاضی شرع از ویژگی‌های نظام دادرسی اسلامی است و اما اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز با الهام از مقررات و اسناد حقوق بشر بین‌المللی دو شیوه برای بازنگری و اعتراض در آراء دادگاه پیش‌بینی کرده است که با مقررات داخلی تا حدودی متفاوت هستند؛ در آن مرجع و اخواهی پذیرفته نشده است زیرا صدور رأی غیابی در حقوق کیفری بین‌المللی ممنوع است و بازنگری در مورد آراء در خصوص نحوه تعیین کیفر و مجازات مورد پذیرش قرار گرفته است.

## ۳- اصول مربوط به سازمان و نیروی انسانی

دادرسی فرایند مفصلی دارد که در این مسیر، اشخاص حقیقی و حقوقی متعددی نقش دارند فقط مسوولیت اساسی آن بر عهده قاضی قرارداد، رفتار و عملکرد هر یک از این اشخاص و نهادها به طور مثال نیروی انتظامی، طرف‌های پرونده اعم از وکیل و اصیل، کارشناسان رسمی دادگستری، ماموران تشخیص هویت، کارشناسان اداره‌ها و وزاتخانه‌ها مانند اداره کار و امور اجتماعی، جنگلیانی، سوانح راه آهن و غیره در تحقق دادرسی عادلانه نقش موثری خواهد داشت ولی آنچه در انظار عمومی بیشتر جلوه‌گر



می باشد اقدام کارکنان دادگاه ها و شخص قاضی است و از دخالت عوامل غیر مستقیم آگاهی چندانی برای افراد غیر متخصص وجود ندارد. قاضی فاضل و علاقه مند به مطالعه و آشنا با مسایل روز و مسلط بر قوانین و تفسیر آنها و متون فقهی و خارجی اساسی ترین تاثیر را در جریان دادرسی ایجاد می نماید، زیرا قاضی فقط مجری ظاهر قانون نیست بلکه مجری عدالت بوده و قانون ابزار و وسیله برای اجرای عدالت است. چون قانون همیشه صراحت ندارد و این ابهام و نقص را دادرس باید با اطلاعات جامعی که دارد بر طرف نماید. همچنین بی طرفی قاضی در تمام فرایند دادرسی اهمیت بسیاری دارد. چگونگی برخورد و کارکنان دادگاه ها به طور کلی از شروع دادرسی تا پایان آن یعنی اجرای حکم مورد توجه دقیق طرف های دعوی است. رفتار مناسب با آنان بیشترین تاثیر را در کسب رضایت مراجعه کنندگان به عمل می آورد. بدیهی است که به فرض پیش بینی و تضمین استقلال قاضی و وجود سیستم دادرسی کارآمد، عدم وجود قضات سالم و دانشمند مانعی جدی در رسیدن به عدالت و هدف مترتب بر دادرسی عادلانه خواهد بود. فلذا پیش بینی ترتیبی کارآمد و نظارت بر عملکرد قضایی قاضی تحقق دادرسی عادلانه را امکان پذیر خواهد ساخت. از جمله لوازم این مولفه ها نیز ایجاد جاذبه در دستگاه قضایی برای جذب نخبه ترین حقوق دانان در دادگستری به منظور اشتغال در مشاغل قضایی است همچنین طراحی نظام کارآمد برای انتخاب یا انتصاب قاضی، وجود نظارت موثر برای آموزش پیوسته قاضی و ترتیبات موثر برای نظارت بر عملکرد قضایی قاضی از ضروریات و لوازم تحقق دادرسی عادلانه است. باملاحظه شاخصه های عدالت قضایی در فقه و حقوق ایران می توان گفت عدالت یکی از شرایط لازم برای احراز منصب مهم قضاوت از دیدگاه اسلام بوده و به تبع آن قانون گذار ایران نیز شرط عدالت قاضی را مورد تاکید قرار داده است و اصل ۱۶۳ قانون اساسی مقرر داشته صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون عادی معین می شود که قوانین متعددی در این رابطه به تصویب رسیده چون منصب قضا از حساس ترین مناصب اجتماعی بوده و نقش اساسی قاضی در تحقق دادرسی عادلانه و عدالت قضایی غیرقابل انکار است. فلذا در رابطه با استخدام قضات عدالت را شرط اساسی آن تعیین کرده اند. از سوی دیگر بهره مندی از عدالت در دادرسی ها و محاکمات قضایی به عنوان یکی از حقوق ملت در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشورها مورد تاکید قرار گرفته است.

۳۲۲..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

در مورد ویژگی های قاضی از دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه آمده است: برای داوری بین مردم از آنان که در نظرات از همه برترند کسی را برگزین که دارای وسعت صدر باشد و تنگ حوصله نباشد و مخاصمه طرفین دعوی او را به لجاجت در نیندازد و در بند لغزش نیاید و چون به اشتباه خود پی برد از بازگشت به حق و اعتراف به آن در نماند و از آنان که در مورد شبهه ناک بیشتر از همه درنگ کنند تا واقعیت روشن گردد و به دلایل و امارات توجه کافی داشته باشد و از کثرت مراجعه اطراف دعوی دلتنگ نگردد و در کشف امور از همه شکبیا تر باشد و به هنگام روشن شدن حقیقت به قاطعیت حکم دهد ستایش تملق آمیز از جایشان بر نکند و مکر و فریب به هر سو نکشاند این گونه مردم بسیار اندکند با توجه به نامه ۵۳ می توان گفت از جمله ویژگی های قاضی صالح آگاهی و علم، عدل، سعه صدر، شکیبایی و تحمل در کشف حقایق و ژرف بینی می باشد و صفات ناپسند که قاضی نباید مبتلا به آنها باشد می توان به پیروی از هوای نفس، طمع، بی حوصله گی در کشف حقیقت، غرور و عجله اشاره نمود. حضرت علی (ع) پس از برشمردن اوصاف قضات شایسته چگونگی رفتار رهبر با این قضات را شرح می دهند: وقتی چنین کسی را یافتی چنان بر او گشاده دست باش تا از حیث معیشت در تنگنا نباشد و از مردمان بی نیاز گردد و او را نزد خود چنان پایگاهی ده که از یاران نزدیکت نیز در جاه او طمع نکنند تا از تهمت سخن چنان، بد اندیشان در امان ماند. قاضی باید بدانند در نزد رهبر جایگاه و پایگاهی دارد و با آرامش خاطر و فراغ بال به حق حکم کند و هرچند به خاطر قضاوت عادلانه او اقلیتی از قاضی رنجیده و یا حتی دشمن او گردد. پس اگر رهبر به قاضی ارزش و اعتبار دهد و پشتیبان او باشد ترس از دشمنی اقلیتی چند مانع از قضاوت عادلانه قاضی نمی گردد. فرض براین است که قضات و مقامات قضایی مقاماتی اخلاقی اند و دستگاه قضایی نهادی قابل اتکا و بی طرف است که تمامی افراد جامعه هنگامی که حقوقشان نقض می شود می توانند به آنها رجوع کنند برخی اوقات قضات می بایست برای مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بشر دوستانه که قواعد حقوقی فاقد توان پاسخ گویی به آنها هستند راه حل های منصفانه و عادلانه بیابند باید از ارزش های اجتماعی پاسداری کنند. بنابراین علاوه بر کسب مهارت و دانش های جدید به منظور انجام بهینه وظایف بایستی راست گویی، مناعت طبع، شجاعت و محتاط بودن را که از فضیلت های اخلاقی است، دارا باشند و فضیلت های فکری مرتبط و ویژگی هایی چون روشن اندیشی، پشتکار و استقامت در کار و استقلال فکری، فروتنی فکری و حکمت عملی و پاک

دستی را دارا باشند. وجود یک تعادل مطلوب میان این مشخصه ها سبب پرورش یافتن قضاتی می شود که در عرصه عمل شایسته و قابل تحسین کاریزماتیک باشند. فلذا بی نیازی در مسائل مالی و حمایت معنوی توانایی همه جانبه کارکنان قوه قضائیه را افزایش خواهد داد که اثر آن در حکم عادلانه ظاهر می شود گرچه عوامل تاثیر گذار در عدالت بسیارند اما وجدان قاضی بسیار با اهمیت است حضور فعالانه دادرسان مستقل، بی طرف، متخصص و دانا برای یک دادرسی عادلانه از ضروریات است. نداشتن تخصص و عدم آشنایی کامل دادرسان با قوانین قضایی و مستقل نبودن و تابع امر و نهی قرار داشتن آنان ارکان دادرسی عادلانه را متزلزل می کند. پس به صرف تدوین قوانین مترقی با توجه به اسناد بین المللی و حقوق بشری نمی توان انتظار داشت حتما سیستم قضایی عادلانه خواهد بود بلکه یکی از ابزارهای سرنوشت ساز و موثر گزینش و گماردن قضات نیک نفس، دانش دوست، نژاده و دلبسته به کار قضایی و با شهامت و خدا ترس است. از سوی دیگر باید با فرهنگ سازی در همه سطوح مردم را با منش و احترام به قانون و قاضی و رعایت حق و پذیرفتن آن آشنا نمود. علاوه بر قوانین مترقی بایستی به آموزش قضات و تقید علمی و عملی قضات به اصول دادرسی عادلانه تکیه نمود و الا انتظار دادرسی عادلانه سرابی بیش نخواهد بود.

#### ۴- سیستم دادرسی کار آمد

مراد از سیستم دادرسی کار آمد نظام قضایی منسجمی است که نتایج عادلانه در دادرسی را از بعد نوعی و شخصی تامین و تضمین کند. توجه به این نکته ضروری است که عدالت در مفهوم شخصی آن نمی تواند هدف منحصر نظام دادرسی باشد بلکه نظام دادرسی منسجم و منطقی باید عدالت نوعی یا جمعی و مصالح نظام اجتماعی و نظم در روابط حقوقی مردم را نیز تامین نماید. نظام دادگاهها و تشکیلات دادگستری در یک نظام دادرسی تابعی از این مولفه ها است که نظام حقوقی با توجه به هدفهای بنیادین آن می تواند بین عدالت در روابط شخصی مردم از یک سو و نظم و امنیت اجتماعی از بعد نوعی از سوی دیگر جمع نماید. توجه به هر یک از اینها و غفلت از دیگری زیانهای جبران ناپذیری برای نظام قضایی داشته و مانعی جدی در تحقق دادرسی عادلانه قلمداد خواهد شد.

۳۲۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

در تشکیل دادگاهها روش وحدت و تعدد قاضی باید مورد توجه قرار گیرد در سیستم وحدت قاضی که یک روش کم خرجی است برای کشورهایی که در آمد ملی کافی ندارند راهکار مناسبی به شمار می آید اما دارای این عیب مهم است که قاضی واحد به سهولت مرتکب اشتباه می شود و به آسانی می توان او را مورد تهدید یا تطمیع قرار داد از این لحاظ برای تامین امنیت قضایی نمی تواند مطلوب باشد لکن سیستم تعدد قاضی هر چند روش پر خرجی است اما در برابر آن این مزیت را دارد که اشتباهات قضایی را به حداقل می رساند و علاوه بر آن هیاتی از قضات به سهولت مورد تهدید و تطمیع قرار نمی گیرد. مضافا به اینکه رایی که به وسیله هیاتی از قضات صادر می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار است و افراد جامعه و طرفین دعوی با دیده احترام به آن می نگرند. در تقسیم پرونده ها باید به سابقه قضات و توانایی آنها توجه کرد و الا تقسیم مساوی اساس محاکمه عادلانه را متزلزل می کند. خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری ایران این موارد را پیش بینی نموده است.

### نتیجه‌گیری:

نظر به اینکه نتیجه دادرسی منصفانه در دادرسی کرامت‌مدار ریشه دارد و در پرتو آن، دستگاه عدالت کیفری باید با لحاظ منزلت متهمان و بزه‌کاران به عنوان یک انسان به تعقیب و محاکمه آن‌ها مبادرت نمایند و اتهام شهروندان بایستی در قلمرو مراجع قضایی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف، با رعایت قانون و به صورت دقیق تحت رسیدگی قرار گیرد و متناسب سازی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری با خصیصه‌های جرم، مرتکبان بزه‌کاری و بزه‌دیدگان از جمله اصول حاکم بر این دادرسی است تا به این واسطه رسیدگی کیفری با دقت و توجه به همه جنبه‌های مربوط به پدیده مجرمانه انجام پذیرد. بنابراین زمانی می‌توان ادعا نمود که حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که در قوانین داخلی اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاه‌ها و بی‌طرفی قضات، دسترسی همگان به مراجع صالح قضایی، اصل برائت، حق دفاع، حق اخذ وکیل، تفهیم اتهام در اسرع وقت، اصل سرعت در رسیدگی، اصل افشاء‌گری، حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و غیره مورد شناسایی قرار داده و اجرای آن را تضمین کنند همچنین رعایت اصول دادرسی عادلانه مستلزم این است که بازجویی و فرایند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق متهم و بزه‌دیده صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات دادرسیا زمینه را بر اجرای واقعی و موثر فراهم خواهد آورد و سبب تقویت باور برابر همگان در مقابل قانون خواهد شد، زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که تخلفات انتظامی قضات و دیگر اشخاص ذیربط بر اساس مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد. در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران علی‌رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قوانین اساسی و عادی تعریف صریحی به عمل نیامده لکن با شناسایی آن اصول تعریف مبرهن گردیده است البته در اسناد بین‌المللی نیز دادرسی عادلانه تعریف نگردیده بلکه با ذکر مصادیق آن به دادرسی عادلانه عینیت بخشیده است. لکن غیراز تهیه و تدوین قوانین مترقی و سیستم دادرسی کارآمد باید به نقش قاضی نیز توجه نمود چرا که اجرای قوانین با قاضی است بدیهی است به فرض پیش‌بینی و تدوین قوانین و مقررات عدم وجود قضات سالم، فاضل و دانشمند مانعی جدی در رسیدن به عدالت یعنی هدف مترتب بر دادرسی عادلانه خواهد بود. بنابراین جذب و نگهداری قضات متخصص و متعهد، آموزش پیوسته قضات و استفاده از ساز و کارهای کارآمد نظارت بر عملکرد قضایی قاضی تحقق دادرسی عادلانه را امکان‌پذیر خواهد

۳۲۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

ساخت و تا حدود زیادی می‌تواند گامی بلند در پیشبرد ارتقای دادرسی عادلانه در نظام حقوق داخلی بردارد امید است با حذف برخی از محدودیت‌ها چون عدم استقلال دادیار و وحدت تعقیب و تحقیق توسط دادستان و استفاده از وکلای اختصاصی در دادگاه‌های ویژه بتواند مانع فشار سازمانهای حقوق بشر بر ایران گردد. تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تاکید بر اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد.

## منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۰). «مجموعه مقالات عدالت کیفری»، جلد دوم، چاپ اول. تهران: دادگستر.
۲. آقای جنت مکان (۱۳۹۶). حسین، «حقوق دادرسی دادگرانه»، چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
۳. امید، جلیل (۱۳۹۷). «حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، مجله حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۹، ۱۳۷۹.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). «تفہیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام، مجله تحقیقات حقوقی»، شماره ۴۲.
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی‌نژاد (۱۳۸۶). «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۵). «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، چاپ بیست و پنجم، تهران: شهر دانش.
۷. دهقانی، حسین (۱۳۹۰). «مدیریت تسریع در دادرسی»، نشریه تعالی حقوق، شماره ۱۲.
۸. سالواتور (۱۳۹۲). «حقوق بشر در محاکمات بین‌المللی»، ترجمه حسین آقای جنت مکان، چاپ دوم، تهران: جنگل.
۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۷). «رحمدل، منصور، دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران در مجموعه (مقالات تازه‌های علوم جنایی)»، چاپ اول، تهران: میزان.
۱۰. .... (۱۳۸۵)، «معکوس شدن بار اثبات در حقوق موضوعه ایران»، پروژه تحقیقاتی دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران،
۱۱. زاپالا، سالواتور (۱۳۹۲). «حقوق بشر در محاکمات بین‌المللی»، ترجمه حسین آقای جنت مکان، چاپ دوم، تهران: جنگل.
۱۲. زراعت، عباس و انور احمدی (۱۳۹۳) «مبانی و آثار حضوری بودن فرآیند دادرسی کیفری»، پژوهش‌نامه حقوق، شماره دوم.

- ۳۲۸..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸
۱۳. ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵)، «اصل تساوی سلاح‌ها در فرایند کیفری»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۷-۵۶.
۱۴. ----- (۱۳۸۸). «آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد»، چاپ دوم، تهران: دانش پذیر.
۱۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۵). «اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵ و ۳۶.
۱۶. شاملو، باقر و افشین عبداللهی (۱۳۹۳). «دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲.
۱۷. شاملو، باقر و شهرام محمدی (۱۳۹۰). «نقض بی‌طرفی و عدم استقلال قاضی؛ جلوه‌ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۶: ۱۸. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳). «اسناددیوان کیفری بین‌المللی»، چاپ چهارم، تهران: جنگل جاودانه.
۱۹. صابر، محمود و حسین ناظریان (۱۳۹۳). «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش حقوق تطبیقی، ش ۴، شماره ۲۰.
۲۰. صالحی آقمشهدی، فخرالدین و صلاح احمدنژاد (۱۳۹۱). «بررسی فقهی و حقوقی سکوت در دادرسی مدنی، مجله فقهی»، شماره ۲.
۲۱. صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۳). «قاعده رد ادله در حقوق ایالت متحده و مقایسه و ضمانت اجراهای مشابه در حقوق ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره: ۲۲.
۲۲. غمامی؛ مجید و حسن محسنی (۱۳۸۵). «اصول تضمین‌کننده دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳: ۲۸۲.
۲۳. فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). «دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی»، چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۲۴. فتحی، محمدجواد؛ هادی دادیار (۱۳۹۱). «جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه»، نشریه علمی و پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، ش هفتم.



۲۵. قربانی؛ علی و جعفر موحدی، «ماهیت برائت در فقه و حقوق»، محله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰:
۲۶. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). «حقوق کیفری بین‌المللی»، ترجمه حسین پیران و سایرین، چاپ اول. تهران: جنگل.
۲۷. کریر، رابرت و همکاران (۱۳۹۴). «مقدمه ای بر حقوق و رویه کیفری بین‌المللی»، ترجمه ارمغان عبیری وزهرا عامری، چاپ اول. تهران: خرسندی.
۲۸. مقدسی، باقر (۱۳۹۳). «رویکرد تطبیقی معیارهای ناظر بر بازجویی پلیسی»، مجله کارآگاه شماره ۲۷.
۲۹. مجموعه اصول برای حمایت از همه افراد در برابر بازداشت یا زندان، موضوع فصل‌نامه ۱۷۳/۴۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۹ دسامبر ۱۹۸۸.
۳۰. محمدی کنگ سفلی، احسان (۱۳۹۶). «دادرسی عادلانه در قلمرو کیفری ایران»، چاپ اول، تهران: مجد.
۳۱. مدی، بهنام (۱۳۹۳). «بررسی گستره اعمال فرض برائت توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۳۱.
۳۲. مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۷). «حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۹.
۳۳. منصورآبادی، عباس (۱۳۸۴). «حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۸.
۳۴. ناجی زواره (۱۳۹۴). مرتضی، «دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری»، چاپ دوم، تهران: شهردانش.
۳۵. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۵). «معیارگذاری برای صدور قرارهای تأمین کیفری، جلوه‌ای از دادرسی منصفانه در اصول دادرسی منصفانه از نظر تا عمل»، به کوشش جمعی از نویسندگان چاپ اول، تهران: خرسندی.
۳۶. ----- (۱۳۹۳). «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری جلوه‌ای از حقوق شهروندی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸.
۳۷. نیکویی، سمیه (۱۳۸۵). «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
۳۸. هاشمی، سیدحسن (۱۳۹۲). «دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری و اسناد بین‌المللی»، چاپ اول، تهران: مجد.

۳۳۰..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸  
یوسفی، ایمان و محمدصادق ریسی (۱۳۹۲). «بررسی انتقاد وارده بر نهاد بازپرسی»،  
مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲..